325759 ـ حکم اجازۀ زنان به مردان در قرآن کریم و متون علمی چیست؟

سوال

آیا برای زن جایز است که در قرآن کریم یا در متون علمی به مردان اجازه [روایت و قرائت] دهد؟

خلاصه‌ی پاسخ

اشکالی ندارد که زن حافظ و ضابط، در قرآن یا در هر علمی که در آن صاحب ضبط و ثبت است، به مردان اجازه دهد، به ویژه اگر آن زن سن بالایی داشته باشد و از او یا بر او فتنه‌ای نباشد.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

نقش زنان در تاریخ علوم شرعی

زنان حضوری پررنگ در تاریخ علوم شرعی دارند. اشاره به بانوی فقیه و عابد، ام المؤمنین عایشه بنت ابی‌بکر کافی است. چه بسیار بودند کسانی که ایشان به آنان علم آموخت و چه بسیار است علمی که ایشان ادا کردند و ابلاغ نمودند.

ابن قیم می‌گوید: «اما عایشه... ایشان در علم مواریث و احکام و حلال و حرام پیشگام بودند، و از جملۀ کسانی که از ایشان علم آموختند و تقریبا از قول ایشان خارج نمی‌شدند و از ایشان فقه را گرفته بودند: برادرزادۀ ایشان قاسم بن محمد بن ابی‌بکر، و خواهرزادۀ ایشان ـ فرزند اسماء ـ عُروة بن زبیر است.

مسروق می‌گوید: بزرگان اصحاب رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ را دیدم که دربارۀ مواریث از ایشان می‌پرسیدند.

عروة بن زبیر می‌گوید: با کسی ننشستم که دربارۀ قضا و سخن جاهلیت و روایت شعر و فریضه و پزشکی، از عایشه داناتر باشد». (إعلام الموقعین: ۲/ ۳۹).

زنان محدث

پس از امهات المؤمنین نیز زنان عالمۀ بسیاری سر بر آوردند. حافظ بن حجر برای زینب بنت کمال که محدثه‌ای مشهور بودند شرح حال نگاشته و می‌گوید: «از نود سالگی گذشت و مردم با وفات ایشان در احادیث بسیاری یک درجه پایین‌تر

آمدند». (الدرر الكامنة: ۲/ ۲۰۹). (یعنی سند بسیاری از احادیث با وفات ایشان طولانی‌تر شد، حال آنکه سند هرچه کوتاه‌تر باشد با ارزش‌تر است).

ابن کثیر نیز شرح حال «ستیته» دختر قاضی حسین محاملی را نوشته می‌گوید: «قرآن خواند و فقه و فرایض و حساب و درر و نحو و غیر آن را حفظ نمود و در دوران خود از عالم‌ترین مردمان به مذهب شافعی بود». (البداية والنهاية: ۱۲/ ۳۲۱).

و حافظ ابن جوزی در «مناقب الإمام أحمد» مردانی را که امام احمد از ایشان روایت کرده ذکر کرده و از زنان کسی را یاد نکرده جز «ام عمر بنت حسان بن زید ثقفی».

و ابن کثیر در «البداية والنهاية» (۱۸/ ۱۴۰) می‌گوید: «در روز عرفه، شیخهٔ صالحهٔ عابده، ناسکه، ام زینب، فاطمه بنت عباس بن ابی الفتح بن محمد بغدادی در قاهره درگذشت و خلق پرشماری شاهد جنازهٔ او بودند. او از عالمات فاضلات بود که به معروف امر می‌کرد و از منکر نهی می‌کرد و بر علیه احمدیه (گروهی از صوفیان گمراه) به دلیل «برادری» آنان با زنان و پسرکان نوجوان بی‌ریش برخاسته و نهی‌شان می‌کرد، و احوال آنان و دیگر اهل بدعت را انکار می‌کرد و کارهایی می‌کرد که مردان از انجامش ناتوان بودند. او در مجلس شیخ تقی الدین ابن تیمیه شرکت می‌کرد و از ایشان و دیگران استفاده برد و من از شیخ تقی الدین شنیدم که ایشان را می‌ستود و به فضل و علم توصیفش می‌کرد و می‌گفت که ایشان بخش بسیاری از کتاب «المغنی» یا بیشترش را از حفظ بود و او (یعنی ابن تیمیه) به دلیل پرسش‌های بسیار و نیکوی آن بانو و سرعت فهمش برای [پرسش‌های] او آماده می‌شد و زنان بسیاری نزد او قرآن را ختم کرده بودند از جمله مادر همسر من عایشه دختر صدیق، مادر شیخ جمال الدین مزی، و دخترش ـ همسر من ـ امة الرحیم زینت نزد وی قرآن خوانده بود. رحمت الله بر آنان باد و با رحمتش و بهشتش آنان را گرامی دارد».

بخوانید (به عربی):

اخبار زنان عالمه

نقش زن مسلمان در نهضت علمی

زنانی که مردان از آنان روایت کرده‌اند

علما در شرح حال زنان، از زنانی نام برده‌اند که مردان و دیگران از آنان روایت کرده‌اند. اینجا به ذکر برخی از آنان می‌پردازیم:

ـ در شرح حال فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که «از وی فرزندشان حسین و عایشه و ام سلمه و انس و دیگران روایت کرده‌اند». (سير أعلام النبلاء، راشدون: ۵۰).

ـ در شرح حال ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که: «سعید بن مسیب و شقیق بن سلمه و اسود بن یزید و شعبی و ابوصالح السمان و مجاهد و نافع بن جبیر بن مطعم، و نافع وابستهٔ او، و نافع وابستهٔ ابن عمر، و عطاء بن ابی رباح، و شهر بن حوشب، و ابن ابی ملیکة، و خلقی بسیار از ایشان روایت کرده‌اند». (سیر أعلام النبلاء: ۲/ ۲۰۲).

ـ ام هذیل، حفصة بنت سیرین، بانوی فقیه: «از او برادرش محمد، و قتاده و ایوب و خالد الحذاء و ابن عون و هشام بن حسان روایت کرده‌اند». (سیر أعلام النبلاء: ۴/ ۵۰۷).

ـ فاطمة بنت حسن بن علی بغدادی عطار: «از وی: ابوالقاسم بن سمرقندی و قاضی مارستان و عبدالوهاب انماطی و ابوسعد بن بغدادی روایت کرده‌اند». (سیر أعلام النبلاء: ۱۸/ ۴۸۰).

ـ و در شرح حال «الرعینی الغرناطی ابی جعفر» آمده است: «شاطبیه را از فاطمه بنت یونینی با اجازهٔ او (یعنی فاطمه) از کمال ضریر شنید». (غایة النهایة: ۱/ ۱۵۱).

ـ و در شرح حال «ابراهیم بن ابی علبة» آمده است: «قرائت را از ام درداء صغری، هجیمه بنت یحیای اوصابی دریافت کرد. وی می‌گوید: قرآن را هفت بار بر وی خواندم». (غایة النهایة: ۱/ ۱۹).

حکم اجازهٔ زنان به مردان

حاصل آنکه:

اشکالی ندارد که زن حافظ که در در قرائت ضابط است، در قرآن یا هر علمی که در آن ضابط است به مردان اجازه دهد، به ویژه اگر زنی باشد مسن که مردان به او میلی ندارند و به او و بر او ترس فتنه نیست.

والله اعلم.